

ماهنامه كاوش (۲۱)

كد موضوعي: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۳۹۹

دی ماه ۱۳۸۷

دفتر: مطالعات سیاسی

به نام خدا

فهرست مطالب

سخن نخست.....	۱
گذار به سوی همزیستی: سیاست جدید آمریکا درباره ایران.....	۲
دیپلماسی بی‌نتیجه است.....	۵
آیا معامله ایران و آمریکا بر سر خاورمیانه ممکن است؟.....	۷
چانه‌زنی بزرگ ایران و آمریکا بر سر نقش.....	۹
تعامل کارآمد با ایران.....	۱۳
چرا دیپلماسی و تحریم با هم جمع نمی‌شود.....	۱۵
بازنگری قانون تحریم ایران.....	۱۷
هیلاری و نقطه ضعف ایران.....	۱۹
آیا ایران به توانمندی تولید سلاح هسته‌ای دست یافته است؟.....	۲۱
نگاهی به برنامه هسته‌ای پیچیده ایران.....	۲۳
افکار واهی و پوچ در مورد ایران: رویکرد دولت‌های جدید آمریکا و اسرائیل به مسئله هسته‌ای ایران.....	۲۵
اختلافات بالقوه اوپاما و اسرائیل.....	۲۸
چرا اسرائیل به دنبال طراحی برنامه‌ای برای حمله به ایران است؟.....	۳۱
سلاح‌های کشتار جمعی ایران: ساختار استراتژیک کلان.....	۳۳
سجیل، موشک جدید ایرانی.....	۳۵
پژوهشی درخصوص تمایلات سیاسی ایرانی - آمریکایی‌ها.....	۳۸
درخواست برخی گروه‌های ایرانی برای براندازی رژیم‌های مصر و عربستان.....	۴۰
روندهای جهانی ۲۰۲۵: دنیای تغییر یافته (بخش‌های مرتبط با ایران).....	۴۲



ماهنامه کاوش (۲۱)

سخن نخست

ماهنامه کاوش که شماره ۲۱ آن در اختیار شماست با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی در قبال مسائل ایران تهیه می‌شود. مسلماً درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب حاصل می‌شود. لذا در این ماهنامه تلاش شده است عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی که به‌نحوی به مسائل کشورمان پرداخته‌اند جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان درج شود. در این شماره مقالاتی در مورد سیاست خارجی احتمالی آمریکا در قبال ایران، برنامه هسته‌ای و توانایی‌های موشکی و تسلیحاتی ایران و سایر موضوعات جدید مرتبط با آن پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه از پیشنهادها و انتقادهای اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: گذار به سوی همزیستی: سیاست جدید آمریکا درباره ایران^۱

نویسنده: سوزان مالونی و ری تکیه

منبع: Council on Foreign Relations^۲

رئیس‌جمهور جدید آمریکا مانند هریک از پنج سلف خود در سه دهه گذشته، به سرعت درگیر رسیدگی به نگرانی‌های عمیق آمریکا درباره ایران از جمله تمایلات هسته‌ای این کشور، مداخله آن در تروریسم و بی‌ثباتی منطقه‌ای و وضعیت حقوق بشر در این کشور خواهد شد. این درحالی است که تهران هم‌اکنون به ابزار لازم برای نفوذ بر موقعیت‌های دشوار امنیتی منطقه دست یافته و به نظر نمی‌رسد که هیچ یک از بحران‌های موجود در جهان عرب - از بی‌ثباتی مداوم در عراق و لبنان گرفته تا امنیت خلیج فارس - را بتوان بدون رضایت و کمک ایران حل‌وفصل کرد. از این‌رو دولت اوباما امکان دارد تمایل داشته باشد راه آسان‌تر را برگزیده و تنها لفاظی تازه و اصلاحی ملایم در رویکرد چماق و هویج [تهدید و تشویق] پدید آورد. این دقیقاً همان سیاستی است که در پنج دوره قبلی با شکست همراه بوده و بنابراین اقدامی اشتباه است. بر این اساس امروزه آمریکا باید برای رسیدگی کارآمد به مسئله ایران - که در حال افزایش قدرت خود در منطقه است - راهبردش را تغییر داده و یک ابتکار جامع دیپلماتیک ارائه کند و این مستلزم این است که با این دشمن دیرین خود در خاورمیانه تعامل داشته باشد. بر این مبنا این گزارش پس از بررسی گزینه‌های متعدد آمریکا در

1. Suzanne Maloney and Ray Takeyh, "Pathway to Coexistence: A New U.S. Policy toward Iran", in Richard N. Haass, Martin Indyk, "Restoring the Balance: A Middle East Strategy for the Next President", Council on Foreign Relations - Saban Center at Brookings, Dec 2008.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا مهم‌ترین رکن مؤثر در سیاست‌گذاری آمریکاست.



قبال ایران مانند تغییر نظام، حمله نظامی، بازدارندگی و تعامل، الگوی تعامل را پیشنهاد می‌کند و با اعتراف به نفوذ ایران در منطقه تلاش می‌کند که محدودیت‌هایی برای ایران ایجاد کند. در این راستا بر موارد زیر تأکید می‌شود:

- در پیش گرفتن مذاکرات چندسویه مستقل از یکدیگر میان ایران و آمریکا درباره مهم‌ترین موضوعات حساس مانند: احیای روابط دیپلماتیک، پرونده هسته‌ای، امنیت در خلیج فارس و عراق و موضوعات گسترده‌تر منطقه‌ای.

- انتصاب هماهنگ‌کننده ویژه سیاست‌گذاری ایران در درون وزارت امور خارجه که مسئولیت هماهنگی تلاش‌های دیپلماتیک را بر دوش داشته باشد.

- عادی‌سازی روابط در سطوح پایین به گونه‌ای که دولت آمریکا بتواند آشنایی بیشتر با مقامات ایرانی پیدا کرده و درک بهتری از متغیرهای سیاسی مؤثر در ایران به دست آورد. این درحالی است که مقامات آمریکایی هم‌اکنون از تماس مستقیم با هم‌تایان ایرانی خود منع شده‌اند و این اقدام عملاً سبب محدود شدن ظرفیت محدود کنونی دولت آمریکا برای تفسیر شرایط ایران شده است.

- رفتار با ایران به‌عنوان کشوری واحد و مستقل و عدم تلاش برای ایجاد اختلاف میان فراکسیون‌های متفاوت در ایران زیرا که کشمکش حزبی درونی ایران همواره برای دیپلماسی خلاقانه مناسب به نظر می‌رسد از سوی دیگر باید توجه داشت که هر رویکردی در مورد ایران باید براساس به رسمیت شناختن این امر باشد که درباره موضوعات مهم، هیچ جریانی در ایران امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر اینکه با رضایت رهبری باشد.

- شناسایی میانجی‌های کارآمدی که بتوانند به‌عنوان پل ارتباطی دولت آمریکا و



محافل درونی رئیس‌جمهور و رهبری ایران عمل کنند.

- احیای ابتکار اخیر دمکراسی آمریکا به‌منظور کم کردن از حس مداخله آمریکا در امور کشور با تمرکز بر برنامه‌هایی که تعاملات مردمی را فراهم می‌آورد.
- درک این امر که تعامل با ایران، طولانی و پرزحمت خواهد بود و به تغییرات در متغیرهای داخلی ایران و بافت منطقه‌ای بستگی دارد. بنابراین برای رسیدن به نقطه عطف در این زمینه، دولت جدید باید از گشوده شدن فرصت‌ها و مدیریت بحران‌ها استفاده کرده و مباحث داخلی آمریکا را هم‌زمان با منافع و نگرانی‌های هم‌پیمانان و اشنگتن هدایت کند.

- با توجه به مجموعه این عوامل، پیشنهاد مؤثر، اقدامات فوری و سریع از سوی دولت اواما برای استفاده کامل از دریچه‌ها و فرصت‌های هرچند کوچک اما مهم در طول دوره «ماه غسل» رئیس‌جمهور جدید آمریکا تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ایران در ژوئن ۲۰۰۹ است. با این وجود، الگوی جدید رابطه مانع از تنش یا حتی مناقشه نمی‌شود. از سوی دیگر در بررسی موارد مربوط به روابط ترمیم یافته ایران با دیگر دشمنان، روشن است که تجدید روابط در همه موارد مورد اختلاف، با بهبود مؤثری همراه نبوده است. بر این اساس از نظر جمهوری اسلامی ایران، تجدید روابط ممکن است به‌عنوان راهی میان‌جنگ یا رابطه عادی باشد. به هر حال چارچوب جدید رابطه می‌تواند به تهران نشان دهد که مسئولیت‌پذیری ممکن است بیش از افراط‌گرایی برای آن سود داشته باشد. با توجه به این مسئله، اواما باید از این امر در آینده نزدیک بهره‌گیرد که ایران در سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان مسئله‌ای باقی خواهد ماند که باید آن را مدیریت کرد.



عنوان: دیپلماسی بی نتیجه است^۱

نویسنده: جوشوا موراوچیک

منبع: Bitter Lemone^۲

مطمئناً دولت او باما به صورت مستقیم با نمایندگانی از جمهوری اسلامی ایران مذاکره خواهد کرد. اما باید متوجه بود که اساساً مذاکره مستقیم با دشمنان، امر جدیدی در سیاست خارجی آمریکا نیست. با این وجود این مذاکرات هم مثل مذاکرات سابق آمریکا با دشمنانش بی فایده خواهد بود. علت این اطمینان آن است که اساساً دو دشمن نمی توانند منازعات خود را از طریق گفتگو درباره سوء تفاهمات حل کنند. هر جا مذاکرات بین دو دشمن نتیجه داده ناشی از عقب نشینی یکی از طرفین از سیاست های خصمانه خود بوده است. در واقع، منازعه حاصل سوء تفاهم نیست، بلکه ناشی از اختلاف منافع و در نتیجه سیاست هاست. بر این اساس، ایران به دنبال دو هدف اساسی است: انقلاب اسلامی جهانی و سلطه بر خلیج فارس. تا زمانی که این اصول در رأس اهداف سیاست خارجی ایران باشند مذاکره نتیجه ای ندارد. در عوض ایران باید اهداف خود را تنها به اقتصاد، امنیت و مردم جامعه خود محدود کند. هرگاه این سیاست ها کنار گذاشته شوند منازعه بین ایران و آمریکا نیز به صورت خودکار حل خواهد شد و در واقع خصلت مذاکره از موضوعات استراتژیک به مباحث تاکتیکی تغییر خواهد کرد. در پایان باید گفت که مشکل ایران و آمریکا نهایتاً حل می شود اما نه از طریق دیپلماسی. این راه حل از یکی از سه طریق زیر ممکن است: تغییر

1. Joshua Muravchik, "Diplomacy will not Yield Results", Bitterlimon, December 04, 2008.

۲. از پایگاه های تحلیلی مسائل بین المللی با تمرکز بر مسائل حوزه آمریکاست.



اندیشه های حاکمان ایران، جایگزینی یک رژیم دیگر به جای رژیم فعلی ایران، یا همان روشی که آمریکا و ژاپن با هم دوست شدند یعنی جنگ.



عنوان: آیا معامله ایران و آمریکا بر سر خاورمیانه ممکن است؟^۱

نویسنده: گرث پورتر

منبع: Asia Times^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی امکان مصالحه و مذاکره منتج به نتیجه بین ایران و آمریکا می‌پردازد و معتقد است رسیدن به مقصود در این راستا بسیار دشوار است چراکه نقاط مشترک کمی در این موضوع بین رهبران دو کشور وجود دارد و هریک از زاویه‌ای خاص به مسائل می‌نگرند، به‌عنوان مثال آمریکا خواهان توقف برنامه هسته‌ای ایران است و در مقابل ایران هرگونه مسئله‌ای را در چارچوب روابط کلی دو کشور تفسیر کرده و خواهان تغییر نوع روابط آمریکا و ایران است. در واقع رسیدن به راه‌حل کلی به‌طور یکجا قابل دسترس نیست. در این زمینه نقطه شروع می‌تواند تغییر رویکرد دو کشور در مورد مسائل خاورمیانه باشد. چرا که دو کشور هرگونه اقدام یکدیگر در منطقه را خصمانه تعبیر می‌کنند که در مخالفت با دیگری اتخاذ شده است، هرچند نقاط مشترکی از جمله مخالفت با القاعده و تندروی اسلامی بین دو کشور وجود دارد و می‌تواند آغازی جهت مذاکره و همکاری باشد. از سوی دیگر ایران خواهان مذاکره در امور عراق و افغانستان با آمریکا است و بارها اشتیاق خود را در این زمینه نشان داده است. هرچند در این موارد نیز نگرانی‌ها از جانب ایران وجود دارد، به‌عنوان مثال توافقنامه امنیتی عراق با آمریکا و خروج آنها از عراق محل تردید ایران می‌باشد. ایران نگران روی کار آمدن افرادی با تمایلات آمریکایی در عراق است

1. Gareth Porter, "Is a US- Iran deal on the Middle East Possible?" Asiatimes.com, Dec 2008.

۲. از خبرگزاری‌های مهم و معتبر آسیایی.



که رویکرد خصمانه‌ای با ایران داشته باشند. در مورد افغانستان نیز ایران مخالف هرگونه مذاکره با طالبان است و آن را خطایی بزرگ می‌داند. از سوی دیگر مسئله مهم دیگری که در مذاکره ایران و آمریکا بجز مسئله هسته‌ای قابل طرح است، حمایت ایران از حزب‌الله لبنان است. برخی از تحلیلگران ایرانی معتقدند نزدیکی ایران و آمریکا می‌تواند باعث حل قضیه خاورمیانه شود به عقیده ایران، آمریکا جهت حل مسائل خاورمیانه چاره‌ای جز پذیرش قدرت ایران ندارد.



عنوان: چانه‌زنی بزرگ ایران و آمریکا بر سر نقش^۱

نویسنده: کیهان برزگر

منبع: Belfer Center^۲

آیا با روی کار آمدن اوباما در آمریکا، سیاست خارجی ایران در منطقه تغییر خواهد کرد؟ چنین تحولی بستگی به چگونگی انجام «تغییر» عملی و بنیادی در سیاست خارجی آمریکا نسبت به پذیرش «نقش» و جایگاه منطقه‌ای ایران دارد. معضل جدید ایران و آمریکا، همزمان با تحولات جدید سیاسی در منطقه بر محور «تثبیت نقش‌ها» است. در اوضاع کنونی، دو کشور افزایش نقش یکدیگر در منطقه را تهدیدی علیه امنیت و منافع ملی خود در نظر می‌گیرند و برای همین، تغییر در سیاست خارجی ایران، هنگامی رخ می‌دهد که سیاست خارجی اوباما بر محور خروج از این تضاد استراتژیک استوار باشد. نگاه غالب در ایران این است که با روی کار آمدن اوباما، تغییرات بنیادی در سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران رخ نخواهد داد و آمریکا با تداوم فشارهای سیاسی و تشدید تحریم‌ها، به‌نوعی ادامه‌دهنده سیاست‌های بوش خواهد بود. چنین نگاهی همراه با بدبینی و احتیاط، ریشه در نگرانی سنتی و استراتژیک دولتمردان و نخبگان ایرانی دارد که اساساً هدف اصلی سیاست خارجی آمریکا در منطقه را به حداقل رساندن نقش سیاسی - امنیتی ایران در نظر می‌گیرند. از این دیدگاه فرقی نمی‌کند که رئیس‌جمهور دمکرات یا جمهوری‌خواه در کاخ سفید حاکم

1. Kayhan Barzegar, "Iran and Obama: The Grand Bargain on Roles", Belfer Center, December 8, 2008.

۲. از مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه هاروارد.



باشد، چراکه سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه، پیرو یکسری اصول راهبردی و تغییرناپذیر همچون حفظ «توازن قوا» و «تقویت نقش اسرائیل» است. چنین سیاست‌هایی ایران را به‌عنوان منبع اصلی تهدید امنیتی در منطقه تعریف کرده و خواهان کمترین نقش برای این کشور هستند.

از دید ایران، تحولات جدید سیاسی در منطقه به‌ویژه پس از بحران عراق در سال ۲۰۰۳، نقش منطقه‌ای ایران را افزایش داده است که این افزایش، مدیون موقعیت ژئواستراتژیک ایران در نزدیکی با بحران‌های منطقه‌ای (افغانستان، عراق، لبنان) و همچنین ایدئولوژی پویای آن (عنصر شیعی) است که در وضعیت جدید، قابلیت بروز یافته‌اند.

در چند سال گذشته، حل هیچ‌کدام از بحران‌های منطقه‌ای بدون توجه و اهمیت دادن به «نقش» ایران موفق نبوده است. تحول جدید، ایران را در یک موقعیت برتر استراتژیک قرار داده است، به گونه‌ای که نخبگان ایرانی، خواهان بهره‌برداری از این فرصت تاریخی در راستای تثبیت نقش‌های سیاسی - امنیتی ایران در منطقه و حل معضلات راهبردی با آمریکا هستند؛ مسئله‌ای که می‌تواند از تلف شدن انرژی سیاسی - امنیتی ایران بکاهد و آن را در خدمت اهداف توسعه قرار دهد، اما تلاش ایران برای افزایش نقش منطقه‌ای در تضاد آشکار و استراتژیک با اهداف سیاست خارجی آمریکا در منطقه است که اساساً چنین تحولی را به ضرر منافع و امنیت ملی آمریکا، منافع متحدان سنتی آمریکا در جهان عرب و مهم‌تر از همه امنیت اسرائیل می‌داند.

در سال‌های گذشته، دولتمردان آمریکا، همه انرژی خود را بر به حداقل رساندن نقش ایران در منطقه به‌ویژه حوزه خلیج فارس و عراق متمرکز کرده‌اند. تلاش در راستای تغییر ساخت قدرت و سیاست در عراق و روی کار آوردن نخبگان هم‌فکر و



طرفدار آمریکا با هدف ایجاد نوعی «موازنه جدید قوا» بین ایران و عراق، ایجاد ائتلاف با حکومت‌های سنی منطقه علیه ایران، حمایت از اسرائیل در راستای فشار بر ایران و سرانجام مخالفت سیستماتیک و هدفدار با برنامه هسته‌ای، همگی با هدف جلوگیری از افزایش نقش ایران در منطقه هستند. در نتیجه تداوم چنین سیاست‌های تقابلی، ایران و آمریکا به رغم دارا بودن منافع مشترک ژئوپلیتیک در حفظ ثبات و امنیت منطقه‌ای - چیزی که در بحران افغانستان منجر به همکاری نزدیک دو کشور شد - وارد یک فاز «تضاد استراتژیک سیاسی، امنیتی» شده‌اند.

به بیان دیگر، آنچه آمریکا از آن به‌عنوان سیاست‌های مشروع در راستای افزایش امنیت آمریکا یاد می‌کند و تلاش دارد به آن دست یابد، همزمان از سوی ایران به‌عنوان کاهش امنیت ملی تلقی می‌شود. مخالفت ایران با شکل اولیه توافق‌نامه امنیتی - سیاسی عراق با آمریکا در همین چارچوب است، چرا که تثبیت حضور و افزایش نقش آمریکا در مرزهای حساس غرب ایران، نه تنها یک تهدید مستقیم امنیتی است که در بلندمدت منجر به کاهش نقش استراتژیک ایران در حوزه‌های فوری امنیتی این کشور می‌شود. این در حالی است که تداوم چنین معضل استراتژیکی که دو کشور را «دشمنان بنیادی» تعریف می‌کند، به سود هیچ‌کدام از دو طرف نیست.

چالش اصلی ایران با دولت اوپاما در چگونگی خروج اوپاما از سیاست خارجی بوش و ایجاد تغییر بنیادی در تعریف نقش منطقه‌ای ایران است. دولت اوپاما باید درک کند که ماهیت قدرت و سیاست در خاورمیانه تغییر کرده و تمرکز اصلی مسائل خاورمیانه از غرب با محوریت منازعه اعراب و اسرائیل به مناطق شرقی با محوریت مسائل خلیج فارس و عراق تغییر جهت داده است؛ بنابراین نقش ایران را که دارای



توان بالایی بازیگری در هر دو منطقه حساس خاورمیانه (خلیج فارس و خاور نزدیک) است را نمی‌توان نادیده گرفت.

به هم پیوستگی مسائل سیاسی - امنیتی این دو منطقه، نیاز به بازتعریف نقش ایران در سیاست خارجی آمریکا را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. تأکید بر سیاست سنتی «توازن قوا» و حمایت «یک‌جانبه از نقش اسرائیل» در اوضاع کنونی نه کارایی لازم را دارد و نه مورد پذیرش بازیگران مهم منطقه‌ای از جمله ایران است.

در همین چارچوب، دولت اوپاما باید بداند که یک ایران دارای نقش منطقه‌ای به ضرر منافع ملی آمریکا نیست. نقطه اصلی شعار «تغییر» اوپاما باید بر این محور استوار شود.

برخلاف نگاه غالب در آمریکا، معضل اصلی ایران و آمریکا در حال حاضر، دریافت «تضمین‌های امنیتی» ایران از سوی آمریکا نیست، چرا که ایران خود «تولیدکننده امنیت» در منطقه است و ایفای نقش آن برای ایجاد ثبات در منطقه حیاتی است.

معضل اصلی در «تضاد نقش‌ها» است؛ بنابراین «معامله بزرگ» بیش از هر چیز بر محور پذیرش و تثبیت «نقش» منطقه‌ای ایران صورت پذیرد. در آن صورت شاید ایران بتواند مسائل خاور نزدیک را در ازای تثبیت نقش منطقه‌ای خود در حوزه‌های حیاتی امنیتی و منافع ملی در خلیج فارس و عراق سر و سامان دهد. ایران نیز باید درک کند که نفوذ سیاسی و نقش ایران، همواره پایدار نیست و برای همین باید از این لحظه تاریخی و استثنایی در راستای تثبیت نقش‌های سیاسی - امنیتی خود در شرایط انتقالی خاورمیانه، بیشترین بهره را ببرد. همچنین پذیرش حق مشروع ایران در تداوم برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای نیز باید در چارچوب تثبیت نقش ایران در منطقه باشد.



عنوان: تعامل کارآمد با ایران^۱

نویسنده: چاک فریلیچ

منبع: Belfer Center^۲

براساس بدبینانه‌ترین تحلیل‌ها از فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اولین بمب هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۹ می‌تواند ساخته شود. اوپاما نیز علناً اعلام کرده که حاضر به تعامل مستقیم با ایران است. اکنون بحث دیگر درباره لزوم مذاکره با ایران نیست بلکه چگونگی آن مطرح است. در این میان مهم‌ترین وظیفه راهبردی آمریکا آن است که بتواند عامل زمان را در بازی ایران و آمریکا مدیریت کند. لذا تعامل کارآمد با ایران منوط به خارج کردن کارت زمان از دست ایران است. بر این اساس:

۱. اکنون زمان کافی برای طی کردن مسیر عادی تعامل وجود ندارد، چرا که تا رئیس جمهور جدید در کاخ سفید مستقر شود و شروع به اعمال برنامه‌هایش کند بهار ۲۰۰۹ تمام شده و در نتیجه ایران ۶ ماه به ساخت بمب نزدیک‌تر شده است. از طرف دیگر هر نوع تفاهمی بین این دو باید قبل از دستیابی ایران به بمب باشد؛ یعنی زمان برای مذاکره و نتیجه بخشی آن کم‌تر از ۶ ماه است.

۲. از آنجا که ایران به‌خوبی با زمان بازی می‌کند لذا آمریکا باید برای مذاکره پیش شرط بگذارد و آن پیش‌شرط باید توقف غنی‌سازی در دوره مذاکره باشد. در غیر این صورت مذاکره چیزی جز پوشش رسمی ایران برای پیشروی در برنامه هسته‌ای‌اش نخواهد بود.

1. Chuck Freilich, "Engaging Effectively with Iran", Belfer Center, December, 10, 2008.

۲. از مراکز تحقیقاتی وابسته به دانشگاه هاروارد است.



۳. مذاکره کارآمد باید از موضع قدرت صورت گیرد. لذا وجود تحریم‌ها، همراهی روسیه و چین برای تشدید تحریم‌ها، تهدید به محاصره دریایی، تهدید به اقدام نظامی و حتی تهدید متحدین به امکان بازگشت دوباره یکجانبه‌گرایی نظامی همانند جنگ عراق، باید چاشنی اساسی سیاست آمریکا باشد.

با توجه به اهمیت مسئله هسته‌ای، همه موارد دعوا بین ایران و آمریکا باید در حاشیه مورد بررسی قرار گیرند. در واقع «چانه‌زنی بزرگ» ایران و آمریکا زمانی امکان دارد که مسئله هسته‌ای حل شده باشد. به هر حال مذاکره با ایران از آن جهت اهمیت دارد که آمریکا بتواند به افکار عمومی داخلی و جهان نشان دهد که همه گزینه‌های مسالمت‌آمیز را امتحان کرده است. اگر آمریکا بتواند زمان را از دست ایران خارج کند و ایران را مجبور به توقف غنی‌سازی در دوره مذاکره نماید آنگاه اسرائیل نیز از این مسئله منتفع شده و احتمال حمایت از نتایج مذاکرات توسط اسرائیل افزایش می‌یابد.



عنوان: چرا دیپلماسی و تحریم با هم جمع نمی‌شود^۱

نویسنده: تریتا پارسی

منبع: Council on Foreign Relations^۲

تغییرات عمدتاً با سرعت بیشتر نسبت به تصور مردم صورت می‌گیرد دقیقاً به همین علت تغییرات در هیئت حاکمه واشنگتن و رویکرد آنها نسبت به ایران در روزهای آینده با روی کار آمدن رئیس جمهوری که وعده مذاکره مستقیم با تهران را داده است، جالب خواهد بود. جالب‌تر از آن شکست لابی قدرتمندی در واشنگتن بود که نتوانست علی‌رغم حمایت ۲۵۰ نفر از قطعنامه تحریم دریای ایران، آن را به سرانجام رساند. در حال حاضر پرسش اصلی در آمریکا این نیست که باید با ایران مذاکره کرد یا خیر؟ بلکه سؤال اصلی آن است که چگونه و چه زمانی این مذاکره باید صورت پذیرد. البته این امر به معنای موفقیت مذاکرات احتمالی نیست چرا که رویکرد غیرقابل تغییر رهبران آمریکا و تأکید آنها بر تحریم‌های اقتصادی یک مانع بزرگ است. اوپاما قبل از پیروزی در انتخابات به لایحه تشدید تحریم‌ها علیه ایران رأی مثبت داده بود و اقدامات تحریمی اقتصادی را مقدم بر هر نوع اقدام دیگری خوانده بود. به عقیده وی تحریم می‌بایست قبل از ارائه هر نوع مشوق به ایران اعمال شود. به عقیده وی اعمال تحریم علیه ایران به آمریکا قدرت و اهرم لازم جهت اعمال نفوذ را خواهد داد. اما مشکل این سیاست آن است که تحریم‌ها و سیاست‌های فعلی تاکنون نتوانسته است

1. Trita Parsi, "Why Diplomacy and Sanctions Don't Mix", www.cfr.org, December 4, 2008.

۲. شورای روابط خارجی آمریکا از مراکز مهم تحقیقاتی و پژوهشی متشکل از اساتید و دیپلمات‌های آمریکایی است.



آمریکا را به اهداف خود برساند. در واقع اهرم تحریم تنها در مذاکرات به سود آمریکا خواهد بود، به این معنا که در قبال تغییر رفتار ایران، آنها را لغو نماید. مشکل دولت بوش در این رابطه آن بود که تصور می‌کرد به دست آوردن یک امتیاز در مذاکره می‌بایست در مقابل هیچ اقدام آمریکا صورت پذیرد. در واقع بوش با زبان تهدید به دنبال پیشبرد سیاست‌های خود بود. درحالی که این امر پذیرفته شده است که مذاکرات به دست آوردن هر چیز در مقابل از دست دادن چیز دیگری است.

در مجموع، اعمال تحریم‌های بیشتر از سوی آمریکا باعث ایجاد فضای بی‌اعتمادی در مذاکرات آتی احتمالی خواهد شد و احتمال موفقیت آن را کاهش خواهد داد. از سوی دیگر هرگونه اقدام تهران در جهت افزایش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات از طریق اعمال نفوذ در منطقه می‌تواند نتیجه‌ای معکوس در برداشته باشد. اوپاما نیز باید بداند که ابزار لازم را از طریق پیشنهاد حذف تحریم‌ها در اختیار دارد. تأکید بر افزایش تحریم‌ها موضع مخالفان حل‌وفصل مسائل را تقویت خواهد کرد. ترکیب مشوق‌ها و تحریم‌ها می‌تواند سیاست‌های آمریکا در قبال ایران را موفق کند.



عنوان: بازنگری قانون تحریم ایران^۱

نویسنده: پیتر دوران

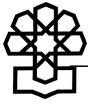
منبع: World Politics Review^۲

هم‌زمان با آماده شدن تیم باراک اوباما جهت آغاز به‌کار در اول بهمن ماه سال جاری، دولت ترکیه نیز در سطحی گسترده برای دور زدن سیاست‌های ایالات متحده در قبال ایران آماده می‌شود. چرا که این کشور در ماه نوامبر (آبان) با امضای موافقتنامه‌ای چشمگیر به مبلغ ۱۲ میلیارد دلار در بخش نفت ایران سرمایه‌گذاری کرد. این حرکت نشانگر برخوردی مستقیم بین کوشش‌های واشنگتن برای کنترل و محدودیت بلندپروازی‌های هسته‌ای ایران و اشتیاق به از بین بردن وابستگی اروپا به سوخت روسیه است. در نتیجه اوباما باید به‌ناچار بین بازنگری تلاش‌های آمریکا برای انزوای ایران و یا کاهش نفوذ در بین همپیمانان منطقه‌ای خود یکی را برگزیند. این امر همچنین علامتی هشداردهنده برای اوباما است که بداند سیاست‌های سنتی دیگر پاسخگو نیست.

آمریکا نگران استفاده روسیه از گاز به عنوان یک سلاح تأثیرگذار است لذا در تلاش برای یافتن راه‌های عبور جدیدی می‌باشد، ولی عملکرد آن در قبال ایران خود عامل عدم موفقیت در دیپلماسی آمریکا در برابر روسیه است. زیرا با محدود نمودن ایران، محدودیت‌های زیادی برای متحدان اروپایی آمریکا به‌وجود آمده است. از سوی دیگر قانون ضد تروریسم آمریکا، مستقیماً سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت این

1. Peter Doran, "Overhauling the Iran Sanction Act", 16 Dec, 2008.

۲. نشریه مرور سیاست جهانی از نشریات معتبر حوزه روابط بین‌الملل است.



کشور را با توانایی ایران در حمایت از تروریسم پیوند می‌زند. آمریکا به‌شدت به قانون مزبور پایبند است در حالی‌که روس‌ها از این مسئله سوءاستفاده کرده‌اند. بنابراین سیاست آمریکا در قبال ایران هنگامی که کرملین به‌نحوی فزاینده با اهداف امنیتی آمریکا در منطقه در تضاد است، ناخواسته سبب تقویت اهرم فشار روسیه بر اروپا شده است. این امر علائم ضد و نقیضی برای متحدان آمریکا ارسال می‌کند و انگیزه همراهی آنان با آمریکا را کاهش می‌دهد چراکه آنان به انرژی وابسته و نیازمندند.

لذا اوباما برای بازنگری در قانون ضد تروریسم ایالات متحده موقعیت منحصر به‌فردی دارد چراکه لغو یا بازنگری این قانون مشوق خوبی برای ایران است و در مقابل باید هزینه سرپیچی ایران را نیز به‌شدت افزایش داد. گزینه‌های عملی شامل منع شدیدتر معاملات بانکی ایران، بلوکه کردن گسترده‌تر موجودی‌های ارزی این کشور، گسترش محدودیت‌های سفر خارجی مقامات آن و منع همه‌جانبه بیمه بین‌المللی برای تانکرهای متعلق به ایران یا طرف قرارداد این کشور، می‌شود. البته همراهی اروپا در این راستا ضروری است. به‌رحال اوباما با این مسئله روبه‌روست که از طریق منطقی کردن تحریم‌های ایران، اجازه بیشتری جهت دسترسی به انرژی ایران به‌وجود آورد و نفوذ آمریکا را تقویت کند. در غیر این صورت این کشور باید شاهد از دست رفتن نفوذ جهانی خود باشد.



عنوان: هیلاری و نقطه ضعف ایران^۱

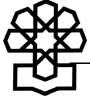
نویسنده: دیک موریس، ایلین مک گان

منبع: Front Page Magazine^۲

نویسنده این گزارش معتقد است که پاشنه آشیل ایران و مهم‌ترین نقطه ضعف آن، وابستگی این کشور به واردات بنزین است و این مسئله می‌تواند مهم‌ترین و مؤثرترین اهرم فشار برای دولت اوباما و وزیر خارجه آن هیلاری کلینتون در مقابله با تداوم برنامه هسته‌ای ایران باشد. در ابتدای گزارش نویسنده با اشاره به اینکه ایران بیش از نیمی از واردات بنزین خود را از طریق امارات و تقریباً تمامی بنزین خود را به واسطه پنج شرکت عمده که چهار شرکت آن اروپایی هستند تأمین می‌کند، این موضوع را مهم‌ترین نقطه ضعف ایران برای اعمال فشار بر آن می‌داند، زیرا که در این صورت چین و روسیه به عنوان متحدین احتمالی ایران نیز به دلیل وابستگی شدید به واردات بنزین نمی‌توانند به ایران کمک کنند. علاوه بر این با توجه به اینکه نیمی از بنزین وارداتی ایران از طریق امارات به ایران صادر می‌شود، بنابراین به راحتی می‌توان ایران را تحت فشار قرار داد. در ادامه گزارش نویسنده به بررسی تعاملات اقتصادی ایران و امارات پرداخته و معتقد است که اگر اوباما و کلینتون بتوانند امارات و دولت‌های اروپایی را به عنوان تأمین‌کنندگان بنزین ایران متقاعد کنند، آنان توانسته‌اند ضربه سریع، تند و غیرقابل تحملی را به دولت ایران وارد کنند. از سوی دیگر با توجه

1. Dick Morris and Eileen McGann, "Hillary and Iran's Achilles Heel", FrontPageMagazine, December 15, 2008.

۲. از نشریات معتبر و تندرو نتومحافظه‌کاران آمریکا.



به افزایش تقاضای بنزین در ایران، این اقدام در سال آتی مؤثر خواهد بود. به علاوه که واردات بنزین از راه‌های دیگر برای ایران هزینه بسیاری خواهد داشت و امکان سهمیه‌بندی مجدد بنزین یا گران‌تر کردن آن به سبب گسترش نارضایتی اجتماعی وجود نخواهد داشت. نویسنده معتقد است که با توجه به اعمال سهمیه‌بندی در ایران عملاً ایجاد نظام سهمیه‌بندی جدید و سنگین‌تر ممکن نخواهد بود. از سوی دیگر از نظر نویسنده با توجه به احتمال تصمیم اسرائیل برای حمله به ایران در صورت تداوم فعالیت‌های هسته‌ای آن و ایجاد یک جنگ وسیع در خاورمیانه، اوباما و کلینتون می‌توانند با همراهی اروپا و امارات و توقف صدور بنزین به ایران، از بروز چنین بحرانی در منطقه پیشگیری کنند.



آن دست پیدا کند. راهکار غرب در مقابل ایران باید این باشد که در کوتاه‌مدت تحریم‌های اقتصادی را افزایش دهد و در تدوین جدول زمانی مذاکرات آمریکا با ایران درباره اهداف و شفافیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران تسریع کند.



عنوان: آیا ایران به توانمندی تولید سلاح هسته‌ای دست یافته است؟^۱

نویسنده: دیوید آلبرایت و دیگران

منبع: Institute for Science and International Security

در پی گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران، یکی از مسائلی که اینک مطرح شده نزدیک‌تر شدن بیش از پیش ایران به میزان کافی از اورانیوم غنی شده برای ساخت یک بمب اتم است. اگرچه اورانیوم غنی شده ایران، هم اینک نه از لحاظ مقدار و نه از لحاظ کیفیت در حد غنای مناسب برای تولید یک بمب نمی‌باشد، اما با توجه به تداوم غنی‌سازی و نظارت‌های ضعیف آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و دسترسی محدود ناظرین آژانس، ایران می‌تواند بدون اطلاع آژانس، اورانیوم دارای غنای اندک را به تأسیسات پنهانی غنی‌سازی خود منتقل کند و با غنی‌سازی بیشتر آنها به‌صورت ناگهانی - که حدود دو تا سه ماه بیشتر طول نمی‌کشد - به توانمندی ساخت یک بمب کوچک هسته‌ای دست پیدا کند. این مرحله که مرحله فرار هسته‌ای نامیده می‌شود باید به نقطه اصلی تمرکز بر فعالیت‌های ایران تبدیل شود که به‌طور خاص بر حجم و میزان اورانیوم با غنای اندک تأکید داشته باشد. بر این اساس به‌نظر می‌رسد که علی‌رغم اظهارات اخیر تحلیل‌گران مبنی بر دستیابی ایران به توانمندی تولید سلاح، ایران هنوز به این توانمندی نرسیده ولی به آرامی و بدون وقفه به این سمت حرکت می‌کند و انتظار می‌رود که در سال ۲۰۰۹ به

1. David Albright et al, "Has Iran Achieved a Nuclear Weapons Breakout Capability? Not Yet, But Soon", Institute for Science and International Security (ISIS), December 2, 2008.

۲. یکی از مراکز معتبر در حوزه امنیت بین‌الملل.



عنوان: نگاهی به برنامه هسته‌ای پیچیده ایران^۱

نویسنده: سریرام کولیا

منبع: Asia times^۲

اظهار نظر دیپلمات عالی رتبه روسی در مورد عدم توانایی ایران در تولید و استفاده از بمب اتم، بار دیگر مباحثات جدی را در این باره به وجود آورد. رئیس دپارتمان اروپای وزارت خارجه روسیه با این اظهار نظر بار دیگر تردیدها را در مورد اظهار نظر مقامات اسرائیلی پیرامون توانایی ایران برای ساخت بمب اتم افزایش داد. اهمیت اظهارات این مقام روسی به این دلیل است که روسیه به دلیل همکاری هسته‌ای با ایران دارای دسترسی به سایت‌های اتمی این کشور است و از سوی دیگر ولادیمیر ورونکوف تأکید کرده است که سخنان وی توسط اطلاعات و دستگاه‌های ذی ربط مورد تأیید قرار گرفته است. در صورتی که این اظهارات صحت داشته باشد، ما به این نتیجه می‌رسیم که جنجال غرب پیرامون برنامه هسته‌ای ایران دلیلی جز مقابله با احیای بیداری اسلامی شیعی در منطقه ندارد.

مقامات اسرائیلی نیز بارها دستیابی ایران به سلاح اتمی را مانعی برای برتری سلاح‌های متعارف اسرائیلی در منطقه دانسته‌اند. اسرائیل اهمیت این مسئله را در حمله به تأسیسات هسته‌ای اوسیراک عراق و نیز سوریه در سال ۲۰۰۷ نشان داده است. در آن مقطع حمله اسرائیل به سوریه در واقع اعلام خطر اسرائیل به ایران به عنوان متحد اصلی سوریه تفسیر شد. اسرائیل هشدارهای خود در مورد برنامه



هسته‌ای ایران را از سال ۱۹۹۱ آغاز کرده بود؛ ولی دولت بیل کلینتون این هشدارها را جدی نگرفت و نومحافظه‌کاران آمریکایی به رهبری بوش محمل مناسبی برای پیگیری این سیاست‌ها بودند. حمله به عراق سبب شد ایران نیز به طور همزمان تهدیدی جدی به حساب آید، ولی درگیر شدن نیروهای آمریکایی در عراق و طولانی شدن حضور و جنگ‌های داخلی در عراق سبب شد ایران به تهدیدی بعدی بدل شود، ولی برنامه هسته‌ای ایران همواره خبرساز بوده و توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز شورای امنیت تعقیب شده است. در ژوئن ۲۰۰۸ البرادعی در اظهار نظری اعلام کرد: «شش ماه تا یکسال زمان نیاز است تا ایران به سلاح اتمی دست یابد». در نوامبر ۲۰۰۸ نیز اعلام شد ایران مقادیر معتناهی اورانیوم با غلظت پایین در اختیار دارد. این مسئله سبب شد تحرکات جدیدی علیه برنامه هسته‌ای ایران ایجاد شود و حتی بحث حمله به ایران مطرح گردد.

با این وجود، اظهار نظر جدید مقامات روسی در برابر استراتژی اسرائیل قرار می‌گیرد. می‌توان به صحت اظهارات مقامات روسی به دیده تردید نگریست چراکه روسیه متحد ایران بوده و درگیری آمریکا - روسیه سبب می‌شود، روس‌ها به ایران نزدیک شوند. البته نباید از نظر دور داشت روسیه و چین در سه قطعنامه شورای امنیت علیه ایران رأی دادند. اوپاما نیز ایران هسته‌ای را غیرقابل قبول خوانده است، اسرائیل نیز گزینه نظامی را علی‌رغم روی کار آمدن اوپاما از نظر دور نداشته است.

1. Sreeram Chaulia, "A Peek into Iran's Nuclear Pandora's box", Dec 17, 2008.

۲. از خبرگزاری‌های تخصصی حوزه مسائل مختلف آسیا است.



عنوان: افکار واهی و پوچ در مورد ایران: رویکرد دولت‌های جدید آمریکا و اسرائیل به مسئله هسته‌ای ایران^۱

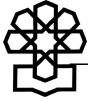
نویسنده: استیون روزن

منبع: Middle East Forum^۲

این گزارش به بررسی رویکرد احتمالی دولت جدید آمریکا نسبت به ایران و تأثیرات آن بر تعاملات آمریکا و اسرائیل می‌پردازد. در ابتدای گزارش تأکید شده است که انتخابات اخیر ریاست جمهوری در آمریکا، اولین انتخابات پس از رقابت کارتر و ریگان در دهه ۸۰ میلادی بود که در آن موضوع ایران، به کانون مناظرات انتخاباتی تبدیل شده بود. به اعتقاد نویسنده، اگرچه اوپاما در رقابت‌های انتخاباتی همواره به نقد عملکرد بوش در قبال ایران پرداخته و سیاست‌های آمریکا در هشت سال گذشته در مورد عدم مذاکره با ایران را مورد تأکید قرار داده بود، اما با به قدرت رسیدن وی و نگاهی بر سوابق موجود در مورد تعامل آمریکا با ایران در دوره بوش، نظراتش متفاوت خواهد شد زیرا که در دوره بوش بیش از ۲۸ مورد مذاکره میان بالاترین مقامات سیاسی آمریکا و ایران برگزار شده است. علاوه بر این، مذاکرات متعددی نیز میان مقامات اروپایی با ایران وجود داشته که دولت بوش از نزدیک در جریان بوده است، بنابراین با توجه به این مسئله، ارائه راه‌حل جدیدی از سوی اوپاما در قبال موضوع ایران بسیار مشکل‌تر از تصور اولیه آن خواهد بود. نویسنده در ادامه

1. Steven Rosen, "Wishful Thinking and Iran: New Governments in Israel and U.S.", Middle East Forum, November 10, 2008.

۲. از مراکز علمی حوزه مطالعات خاورمیانه است.



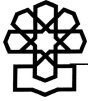
گزارش به برخی از مهم‌ترین موانع موجود در قبال رویکرد اوپاما نسبت به ایران اشاره کرده و همراهی یا عدم همراهی اوپاما با اروپا، تمایلات دولت‌های عربی منطقه، تداوم اعتماد موجود میان اسرائیل و آمریکا و رویکرد برخی جریان‌های داخلی ایران نسبت به سیاست‌های اوپاما را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به اعتقاد نویسنده، اوپاما پنج گزینه استراتژیک را در مورد ایران مورد تجدیدنظر قرار خواهد داد:

۱. تغییر رژیم از دستور کار دولت آمریکا خارج خواهد شد و از این حیث سیاست اوپاما کاملاً متفاوت با بوش خواهد بود.
۲. اگرچه مشاوران اوپاما نسبت به اجتناب‌ناپذیری ایران هسته‌ای تأکید می‌کنند اما به دلیل پیامدهای آن در گسترش بی‌ثباتی و گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه، عملاً گزینه پذیرش ایران هسته‌ای مورد قبول نخواهد بود.
۳. اقدام پیشدستانه آمریکا در حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به دلیل پیامدهای آن، عدم قطعیت و هزینه‌های احتمالی آن کنار گذاشته خواهد شد.
- به اعتقاد نویسنده با توجه به حذف سه گزینه فوق، تنها دو گزینه زیر برای اوپاما باقی خواهد ماند:
۴. افزایش فشار بر ایران برای تغییر رفتار.
۵. استراتژی چانه‌زنی بزرگ و اعطای امتیازات اضافی به ایران در ازای تعلیق غنی‌سازی اورانیوم.

نویسنده در ادامه گزارش به بررسی دو رویکرد اخیر در قبال ایران پرداخته و معتقد است که اوپاما سیاست‌های خودش را با واگذاری امتیازات جدیدی به ایران آغاز خواهد کرد، زیرا که به نظر اوپاما، در دوره بوش نسبت به سیاست‌های مبتنی بر



زور در قبال ایران افراط شده و هیچ توجهی به ضرورت گسترش ارتباطات با ایران نشده بود. به علاوه که از نظر او باما، با اعطای امتیازات بیشتر به ایران، امکان سخت‌گیری بیشتر در قبال آن نیز به وجود خواهد آمد. نویسنده معتقد است که این استراتژی او باما نیز با شکست مواجه خواهد شد زیرا که شاید این استراتژی در دهه ۹۰ این استراتژی مؤثر می‌بود، اما در شرایط کنونی ناکام خواهد ماند. به علاوه که قدرت‌های بزرگی مانند روسیه و چین و حتی برخی از دولت‌های اروپایی نیز با او باما همراهی نخواهند کرد و ایران نیز رفتارهای خود را تغییر نخواهد داد. بنابراین مجموعه این عوامل در نهایت او باما را با دو گزینه ایران هسته‌ای یا حمله نظامی پیشگیرانه روبه رو خواهد ساخت. در پایان گزارش نویسنده تأکید می‌کند که مسلماً مشاوران او باما، مانع اقدام نظامی آمریکا علیه ایران خواهند شد، اما این مسئله امکان اقدام یکجانبه اسرائیل علیه ایران را افزایش می‌دهد. در واقع اگرچه به دلیل حضور نیروهای آمریکایی در عراق و محدودیت‌های استراتژیک اسرائیل برای حمله به ایران، هرگونه اقدام نظامی با اطلاع آمریکا صورت می‌گیرد، اما تمامی این گزینه‌ها منوط به انتخابات آتی اسرائیل در دهم فوریه خواهد بود بنابراین به اعتقاد نویسنده اگرچه احتمال حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران وجود دارد، اما انتخابات آتی این رژیم است که گزینه‌های پیش‌روی آمریکا و اسرائیل در قبال پرونده هسته‌ای ایران را رقم خواهد زد.



عنوان: اختلافات بالقوه او باما و اسرائیل^۱

نویسنده: رونی بارت

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

بسیاری از مردم در اسرائیل فارغ از اینکه چه مسئله‌ای برای یهودیان خوب یا بد است، بدون شک از انتخاب او باما به عنوان رئیس جمهور آینده آمریکا خرسند هستند. از نظر آنان این انتخابات که در آن یک سیاه‌پوست (که به اشتباه عده‌ای او را مسلمان نیز می‌دانستند) به پیروزی رسیده است، اثبات برابری و پیروزی بر تبعیض است و این برای یهودیان نیز مغتنم است. زیرا که او باما نسبت به تأمین، امنیت و شکوفایی اسرائیل برپایه میراث مشترک یهودی - مسیحی و ارزش‌های دموکراتیک دو کشور و منافع استراتژیک آنان تعهد داده است. در این میان علی‌رغم این‌گونه موضوعات کلیدی در تعاملات اسرائیل و او باما، اختلاف‌نظرهایی نیز میان آنان به‌طور بالقوه مطرح می‌شود که چگونگی برخورد با ایران یکی از مهم‌ترین این مسائل می‌باشد. در واقع تمایل او باما به مذاکره مستقیم با ایران برخلاف رویکرد بوش و اتحادیه اروپا در تعامل با ایران است. در این زمینه اگرچه او باما ایران را تهدید جدی منطقه‌ای و جهانی می‌داند و حتی گزینه اقدام نظامی علیه ایران را نیز کنار نگذاشته است، اما او رویکرد جنگ‌طلبانه و خصومت‌گرایانه علیه ایران را نمی‌پذیرد. بنابراین او باما برخلاف مک‌کین و هیلاری کلینتون تمایلی به دیپلماسی کابویی و تقابل با ایران قبل از مذاکرات

1. Roni Bart, "Obama and Israel: Potential Friction", The Institute for National Security Studies, INSS Insight, No. 79, November 16, 2008.

۲. یکی از مراکز پژوهشی که به دنبال تأمین منافع اسرائیل در خاورمیانه است.



دیپلماتیک ندارد. این در حالی است که رویکرد اسرائیل در این مورد متفاوت است چنانچه لیونی و نتانیا هو - دو نامزد احتمالی نخست‌وزیری آینده اسرائیل - با این رویکرد موافق نیستند زیرا که از نظر اسرائیل، روند مذاکرات مستقیم به ایران فرصت توسعه تکنولوژی هسته‌ای را داده و عملاً فرصت لازم برای متوقف کردن فعالیت‌های آن از بین می‌رود. از سوی دیگر مواضع اوپاما در مورد اختلافات فلسطینیان و اسرائیل نیز در مواردی متفاوت است. در واقع اگرچه اوپاما متعهد به حمایت از اسرائیل شده و موافق طرح ایجاد دو کشور برای حل مسئله فلسطین است و همچنین حق بازگشت را رد کرده و مذاکره با حماس را نیز نپذیرفته است، اما تیم مشاوران او اکثراً از اشخاص لیبرالی انتخاب شده‌اند که بر مسائل حقوق بشر، توسعه جهانی و همکاری بین‌المللی تأکید دارند و این مواضع آنان در اختلافات فلسطینیان و اسرائیل می‌تواند تأثیری جدی داشته باشد. علاوه بر این اوپاما تنها کاندیدای انتخابات آمریکا بود که حمایت خود را از دیوار حائل اعلام نکرد و اصطلاح «چرخه خشونت» را به جای اصطلاح «خشونت فلسطینیان و پاسخ اسرائیل» به کار برد. از سوی دیگر اوپاما پس از شکست کمپ دیوید دوم، کلینتون را به سبب حمایت یکجانبه و بی‌قید و شرط از اسرائیل مورد انتقاد قرار داد. همچنین اوپاما رویکرد دمکراتیکی در مورد روند صلح داشته و از خواسته‌ها و حقوق فلسطینیان حمایت خواهد کرد و اسرائیل را به رعایت روند دیپلماتیک در مورد مسائلی مانند توقف شهرک‌سازی و کاهش فشار بر زندگی روزمره فلسطینیان فرا خواهد خواند. از سوی دیگر اوپاما رویکرد جدیدی در سیاست خارجی آمریکا در قبال سوریه در پیش خواهد گرفت و در قبال مسائل عراق و ایران به همکاری با این کشور خواهد پرداخت. با توجه به این شرایط، دولت جدید



در اسرائیل باید در پنج ماه اولیه شکل‌گیری سیاست‌های اوپاما تأثیرگذاری بسیاری بر دولت آمریکا داشته باشد و علی‌رغم اختلافات موجود در مورد ایران و فلسطین، تعاملات کنونی را تداوم بخشد.



عنوان: چرا اسرائیل به دنبال طراحی برنامه‌ای برای حمله به ایران است؟^۱

نویسنده: جان بولتن

منبع: American Enterprise Institute^۲

گزارش اخیر آژانس انرژی اتمی نشان داده که ایران همچنان به غنی‌سازی اورانیوم ادامه می‌دهد، فعالیت‌های هسته‌ای کره شمالی از سرگرفته شده و سوریه نیز در حال تجهیز توانایی هسته‌ای خود است. براساس این فعالیت‌ها، تلاش‌های آژانس انرژی اتمی، کشورهای اروپایی و آمریکا برای جلوگیری از فعالیت‌های هسته‌ای این سه کشور تاکنون ناکام مانده است. نویسنده با این مقدمه به بررسی مختصری از فعالیت‌های سه کشور ایران، کره شمالی و سوریه در چند سال گذشته پرداخته و سیاست‌های مذاکره و تحریم در قبال این کشورها را ناکام دانسته است. به اعتقاد نویسنده با گذشت ۶ سال از استراتژی دیپلماسی و تحریم در قبال این سه کشور، آنان با همکاری یکدیگر درصدد تجهیز توانایی‌های نظامی‌شان هستند. در ادامه گزارش، نویسنده با بررسی سیاست‌های بوش در قبال ایران، تأکید می‌کند که او باما نیز سیاست چندان متمایزی نسبت به بوش در این باره نخواهد داشت و عملاً تنها به دیپلماسی شکست خورده کشورهای اروپایی خواهد پیوست. در واقع بوش و او باما علی‌رغم «غیرقابل پذیرش» دانستن ایران هسته‌ای، معنای این عبارت را به درستی نمی‌دانند، زیرا که عملاً آنان استفاده از زور را تنها به عنوان یک تهدید توخالی مطرح

1. John R. Bolton, "Why Israel Is Planning on Attacking Iran", American Enterprise Institute for Public Policy Research, December 1, 2008.

۲. یکی از مهم‌ترین مراکز پژوهشی نئومحافظه‌کاران که نقش به‌سزایی در شکل‌گیری سیاست خارجی دولت آمریکا دارد.



کرده و هرگز آن را به‌طور واقعی نپذیرفته‌اند. به اعتقاد نویسنده برخلاف رویکرد آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران، رهبران اسرائیل به معنای واقعی، ایران هسته‌ای را غیرقابل قبول می‌دانند و تأکید می‌کنند که هرگز به ایران اجازه دستیابی به سلاح هسته‌ای را نخواهند داد. این رویکرد اسرائیل براساس رویه تاریخی عملکرد آن در قبال حمله به تأسیسات نظامی اوسیراک عراق در سال ۱۹۸۱ یا حمله به تأسیسات هسته‌ای سوریه در سال گذشته نیز اثبات می‌شود. بنابراین از نظر نویسنده، اسرائیل مطمئناً به دشمنان خود اجازه دستیابی به تهدیداتی که موجودیت اسرائیل را به خطر اندازد، نخواهد داد. از سوی دیگر نویسنده گزارش معتقد است که زمان برای اقدام مؤثر اسرائیل علیه ایران بسیار کم است، زیرا که ایران با کمک روسیه، در حال دستیابی به سیستم دفاع ضد موشک و تقویت حفاظت تأسیسات هسته‌ای خود است. علاوه بر این اگر اسرائیل بخواهد منتظر اقدامات او باما باشد، عملاً این انتظار تا اواسط سال ۲۰۰۹ طول خواهد کشید و این فرصت مناسبی برای ایران به‌منظور تجهیز توانایی‌های هسته‌ای آن خواهد بود. از سوی دیگر با تمایل ایران به دستیابی به هسته‌ای، کشورهای دیگر منطقه مانند عربستان، مصر و ترکیه نیز به دنبال دستیابی به این قابلیت خواهند بود و این موضوع نه تنها توسعه سلاح هسته‌ای بلکه امکان به‌کارگیری آن را نیز افزایش خواهد داد. بنابراین با ناکامی آژانس انرژی اتمی عملاً به سوی دنیای خطرناک‌تری برای همگان پیش می‌رویم.



عنوان: سلاح‌های کشتار جمعی ایران: ساختار استراتژیک کلان^۱

نویسنده: آنتونی کوردزمن

منبع: Center for Strategic and International Studies^۲

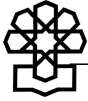
نویسنده در این گزارش به بررسی مسئله سلاح‌های کشتار جمعی و سیاست‌های ایران می‌پردازد و تلاش دارد این موضوع را در چارچوبی کلان و استراتژیک مفهوم‌سازی کند. در این راستا وی به بررسی آماری تجهیزات نیروهای متعارف ایران پرداخته و نقاط ضعف و قوت آنها را بررسی می‌کند. همچنین وی به توانایی‌های نامتعارف نیروهای نظامی ایران نیز اشاره دارد. در انتهای گزارش به نفوذ ایران در سه کشور عراق، افغانستان و حزب‌الله لبنان نیز پرداخته شده است.

نویسنده دلایل حرکت ایران به سوی دستیابی به سلاح اتمی را به شرح ذیل برمی‌شمارد:

- میراث جاه‌طلبی‌های شاه و ورود برنامه هسته‌ای و دستیابی به سلاح اتمی،
- جایگاه و نفوذ کشورهای عضو باشگاه اتمی،
- ترس ایران از آمریکا، اسرائیل و محاصره همسایگان،
- وجود قدرت‌های اتمی اسرائیل، هند، پاکستان در منطقه،
- تلاش برای رسیدن به هژمونی منطقه‌ای،
- ترس از حمله آمریکا و اسرائیل،

1. Anthony Cordesman, "Iranian weapons of Mass Destruction: The Broader Strategic Context", www.csis.org, Dec 5, 2008.

۲. مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، از مراکز معروف مطالعاتی مسائل بین‌المللی است.



- کسب اهرم فشار در مناسبات سیاسی بر همسایگان،

- وجود این واقعیت که ایران در طول جنگ هشت‌ساله با عراق از سلاح‌های

شیمیایی متضرر شد،

- عدم توانایی رقابت با سلاح‌های متعارف همسایگان که از آمریکا، اروپا و

روسیه به دست می‌آورند،

- وجوه ایدئولوژی مبارزه جوی شیعی در راستای حمایت از هلال شیعه،

- تهدید سنی‌های افراطی علیه ایدئولوژی شیعی در منطقه،

- وجود این واقعیت که دستیابی به سلاح اتمی ارزان‌تر از کسب سلاح‌های

متعارف و ورود به مسابقه تسلیحاتی است،

- استراتژی فرصت‌طلبانه ایران که هم دفاعی و هم به دنبال کسب قدرت و نفوذ

است.

همه موارد فوق می‌تواند احتمالاً به انگیزه ایران جهت دستیابی به سلاح اتمی

کمک کند و هرچند این مسئله هیچ‌گاه به‌طور رسمی در بیانیه‌ها و سخنان رهبران

ایران مطرح نشده است، ولی هر متخصصی می‌تواند انگیزه ایران را با توجه به موارد

فوق‌الذکر دریابد. در واقع مسئله مهم آن است که متخصصان خارج از ایران، هیچ‌گاه

به گفته‌های رهبران ایران درباره عدم پیگیری مسئله سلاح اطمینان ندارند. نویسنده به

دنبال اثبات ادعای خود از طریق بررسی سیستم موشک‌های ایرانی است که قابلیت

حمل کلاهک‌های هسته‌ای دارد. وی همچنین به نقاط ضعف نظامی متعارف ایران نیز

اشاره می‌کند.



عنوان: سجیل، موشک جدید ایرانی^۱

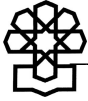
نویسنده: یفتاح شپری

منبع: The Institute for National Security Studies

این گزارش به بررسی آزمایش موشک جدید ایران به نام سجیل پرداخته و ابعاد مختلف توانایی‌های موشکی ایران و پیامدهای آزمایش موشک جدید آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در ابتدای گزارش نویسنده، با اشاره به مختصات و ویژگی‌های موشک سجیل از جمله برد ۲۰۰۰ کیلومتری آن، دو مرحله‌ای بودن آن و استفاده از سوخت جامد در هر دو مرحله، این سؤال را مطرح می‌کند که موشک سجیل آیا واقعاً با سایر موشک‌های ایران متفاوت بوده و توسعه‌ای در صنایع موشکی ایران رخ داده است. به اعتقاد نویسنده، ایران چند سال قبل ادعا کرده بود که در حال توسعه سیستم موشک شهاب ۳ و به دنبال جایگزین کردن سیستم سوخت آن به سوخت جامد است. براین اساس، سال گذشته موشک عاشورا مورد آزمایش قرار گرفت، اما عدم موفقیت‌آمیز بودن آزمایش این موشک مانع رسانه‌ای شدن آن و اطلاع‌رسانی گسترده در مورد آن شد و فقط اطلاعات محدودی از سوی کشورهای غربی منتشر شد. در این میان از نظر نویسنده، موشک سجیل که به ادعای مقامات ایرانی با موفقیت مورد آزمایش قرار گرفت، تکرار آزمایش موشک عاشورا با نام جدیدی بود که البته این بار با موفقیت صورت گرفت. در ادامه گزارش نویسنده به بررسی ویژگی‌های موشک

1. Shapir Yiftah, "The Sejil: A New Iranian Missile", The Institute for National Security Studies, INSS Insight, No 80, November 19, 2008.

۲. یکی از مراکز پژوهشی که به دنبال تأمین منافع اسرائیل در خاورمیانه است.



سجیل پرداخته و مهم‌ترین مختصات آن را این‌گونه برمی‌شمرد:

- موشک سجیل مانند موشک شهاب ۳ و برخلاف موشک زلزال، به صورت عمودی پرتاب شد و دود حاصل از موشک نیز نشانگر سوخت جامد موشک بود.
- اگرچه پرتاب‌کننده موشک در تصاویر دیده نمی‌شود، اما احتمالاً پرتاب‌کننده موشک مانند پرتاب‌کننده شهاب ۲ متحرک بوده است.
- ویژگی‌های ظاهری موشک سجیل نیز بسیار شبیه موشک شهاب ۳ بوده است.
- براساس دماغه مخروطی شکل نوک موشک، به نظر می‌رسد که سجیل بازدهی معادل شهاب ۳ دارد و از این رو این موشک می‌تواند مدل توسعه‌یافته شهاب ۳ با برد ۲۰۰۰ کیلومتر باشد.

نویسنده در ادامه گزارش تأکید می‌کند که دستیابی به توان سوخت جامد برای موشک یک مسئله ناچیز و کم‌اهمیت نبوده و از این رو این ادعای متخصصان که این موشک، نمونه دیگری از موشک‌های شهاب ۳ با نام دیگری بوده است کاملاً بی‌اساس است، بلکه این موشک جایگزین شهاب ۳ در سیستم موشکی ایران است. به علاوه که دستیابی به سوخت جامد امکان استفاده از موشک و سوخت‌گیری آن را بسیار آسان‌تر و سریع‌تر کرده و می‌توان همزمان با خروج آن از انبار آن را مورد استفاده قرار داد. همچنین دستیابی به تکنولوژی سوخت جامد امکان استفاده از آن در فعالیت‌های ماهواره‌ای را نیز به وجود می‌آورد و عملاً پیشرفت قابل توجهی در تکنولوژی نظامی و غیرنظامی محسوب می‌شود. در پایان گزارش نویسنده تأکید می‌کند که دارا بودن موشک‌های بالستیک قدرت بازدارندگی کشورها را بالا می‌برد و ایران نیز از این مسئله مستثنی نیست.



در موشک‌های جدید ایران، اسرائیل نیز در محدوده تیررس قرار گرفته است. با وجود این، تا زمان تغییر کلاهک موشک‌ها و استفاده از کلاهک هسته‌ای، تهدید علیه اسرائیل تغییر چندانی نمی‌کند. علاوه بر این علی‌رغم آزمایش موفقیت‌آمیز موشک سجیل، زمان بسیاری طول می‌کشد تا ایران قادر به به‌کارگیری تعداد قابل توجهی از این موشک باشد.



عنوان: پژوهشی در خصوص تمایلات سیاسی ایرانی - آمریکایی‌ها^۱
منبع: Zogby International^۲

گزارش حاضر پیرامون پژوهش صورت‌گرفته درباره تمایلات آمریکایی‌های ایرانی‌الاصل است که مؤسسه زاگبی آن را انجام داده است. در این پژوهش گرایش‌های سنی و جنسیتی انتخاباتی ایرانی - آمریکایی‌ها و تمایلات سیاسی آنان درباره انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده موردنظر بوده است. براساس پژوهش مذکور، اکثریت قریب به اتفاق ایرانی - آمریکایی‌ها یا شهروند آمریکا (۸۱ درصد) هستند یا اقامت دائم (۱۵) دارند. درعین حال اکثر این افراد به‌جای تعامل با ایرانیان در جامعه آمریکایی حل شده‌اند. به‌گونه‌ای که تنها ۱ نفر از هر ۵ نفر آنان بعد از کار روزانه با دیگر ایرانی - آمریکایی‌ها تعامل دارد و بیش از نصف این افراد نیز انگلیسی را زبان اصلی دانسته‌اند. ۲/۵ درصد این افراد نیز خود را مسلمان معرفی کرده‌اند. از هر سه ایرانی یکی درآمد خانوادگی بیش از ۱۰۰ هزار دلار در سال دارد. این میزان در مقایسه با اندازه متوسط آمریکایی‌ها که از هر ۵ نفر یک تن دارای درآمد سالیانه بالای ۱۰۰ هزار دلار می‌باشد، چشمگیر است. براساس این تحقیق در انتخابات ۲۰۰۸ آمریکا، از هر ۳ ایرانی یک نفر به نامزدها کمک مالی کرده است یا با روابط عمومی آنان ارتباط داشته یا در فعالیت‌های انتخاباتی مشارکت داشته است. در حدود نیمی از ایرانی - آمریکایی‌ها خود را دمکرات معرفی کرده‌اند. در مقابل از هر هشت نفر یکی خود را جمهوری‌خواه می‌داند. از هر ۴ نفر نیز یکی خود را مستقل می‌داند. بیش از

1. "Survey of Iranian – Americans final Report", 10 Dec 2008, www.zogby.com

۲. از مؤسسات نظرسنجی ایالات متحده که متخصص برگزاری نظرسنجی قومی و نژادی در آمریکاست.



نیمی از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی، مسائل داخلی آمریکا را به‌عنوان دغدغه اصلی خود دانسته در مقابل $\frac{1}{4}$ مسائل سیاست خارجی آمریکا و ارتباط این کشور با ایران را مشغولیت ذهنی خود می‌دانند. کمتر از ده درصد نیز مسائل داخلی ایران را در نظر دارند. درخصوص موضوعات تأثیرگذار در آمریکا، ۸۵ درصد بر ضرورت مفاهمه ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها تأکید داشته و ۷۵ درصد نیز بر ارائه تصویر درست از ایران و ارزش‌های آن برای آمریکایی‌ها تأکید کردند. حدود ۸۴ درصد از آنان از افتتاح دفتر حافظ منافع آمریکا در ایران حمایت کرده و آن را روش بهتری برای اخذ ویزای ورود به آمریکا می‌دانند.

سرانجام اینکه این تحقیق نشان می‌دهد که $\frac{3}{4}$ ایرانی - آمریکایی‌ها اعتقاد دارند که توسعه حقوق بشر و دموکراسی در ایران باید مهم‌ترین اولویت رابطه با ایران باشد. درعین حال برداشت معادل همین عده هم این است که منافع آمریکا با روش‌های دیپلماتیک بهتر قابل تأمین است.



عنوان: «درخواست برخی گروه‌های ایرانی برای براندازی رژیم‌های مصر و عربستان»^۱

نویسنده: منشرف

منبع: The Middle East Media Research Institute^۲

این گزارش به بررسی برخی فعالیت‌های جریان‌های مردمی - دانشجویی در ایران نسبت به سکوت مصر در تداوم بحران غزه و تمایل عربستان برای ایجاد روابط حسنه با رژیم صهیونیستی پرداخته و تحولات اخیر در روابط آنان را مورد ارزیابی قرار داده است. براین اساس، نویسنده در ابتدای گزارش تأکید کرده است که اخیراً اقدامات تهاجمی برخی گروه‌های ایرانی در قبال مصر و عربستان تشدید شده و حملات و اتهامات بسیاری نسبت به مقامات این کشورها مطرح شده است. چنانچه در این زمینه، دولت مصر به سازش و خیانت متهم شده و عده‌ای از مردم ایران خواستار سرنگونی رژیم کنونی مصر شده‌اند. علاوه بر این، دفتر حفاظت از منافع مصر در ایران نیز مورد حمله تعدادی از دانشجویان قرار گرفته و آنان خواستار ترور حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مصر شده‌اند. از سوی دیگر گروه دیگری به نام «برادران رضوان» به آژانس خطوط هوایی عربستان در تهران حمله کرده و اعتراض خود را نسبت به تمایل این کشور برای نزدیکی با رژیم صهیونیستی اعلام کرده‌اند. در ادامه گزارش نویسنده با بررسی برخی از نشریات داخلی ایران تلاش کرده است تا مواضع ایران نسبت به مصر و عربستان را به‌صورت مستند مورد ارزیابی قرار دهد.

1. Y. Mansharof, "Call's in Iran to Topple Egyptian, Saudi Regimes," The Middle East Media Research Institute, December 12, 2008.

۲. یکی از مراکز تحقیقاتی که در حوزه رسانه‌های منطقه خاورمیانه فعالیت می‌کند.



نویسنده با اشاره به تجمعات مختلف علیه سیاست‌های مصر، درخواست‌های تجمع‌کنندگان مبنی بر ترور انقلابی مبارک، اتحاد مسلمین برای بازگشایی گذرگاه رفح، فعال شدن سازمان کنفرانس اسلامی و اخراج مسئول حافظ منافع مصر از تهران را مورد تأکید قرار می‌دهد. نویسنده با اشاره به مباحث مطرح‌شده در این تجمعات، شریک بودن مصر در جنایت غزه با اسرائیل، تأکید تجمع‌کنندگان مبنی بر پیروی از راه خالد اسلامبولی را نیز مورد توجه قرار داده و در نهایت با انتشار تصاویری از تجمعات مردمی - دانشجویی علیه مصر و عربستان به دنبال مستندسازی گزارش خود برآمده است.



عنوان: روندهای جهانی ۲۰۲۵: دنیای تغییر یافته (بخش‌های مرتبط با ایران)^۱
منبع: US National Intelligence Council^۲

با توجه به اینکه ایران یکی از سریع‌ترین کاهش‌ها در میزان زاد و ولد را در تاریخ تجربه کرده است - از بیش از شش فرزند به ازای هر زن در سال ۱۹۸۵ به کمتر از دو کودک در حال حاضر - جمعیت ایران تا سال ۲۰۲۵ از تغییرات قابل ملاحظه‌ای برخوردار خواهد شد. ناآرامی سیاسی این کشور و افزایش جمعیت جوانان جویای کار به شکل زیادی در دهه بعد پراکنده خواهد شد و باعث به وجود آمدن جمعیت بالغ بیشتر و ایجاد نرخ رشد نیروی کاری خواهد شد که با نرخ کنونی در آمریکا و چین (نزدیک به یک درصد در سال) قابل مقایسه است. در این دوره زمانی، جمعیت آماده کار به شکل زیادی به نسبت کودکان رشد خواهد یافت و فرصت‌هایی برای ذخیره پس‌انداز، آموزش بهتر ایجاد خواهد شد و در نهایت این مسئله باعث روی آوردن به سوی صنایع تکنیکی‌تر و افزایش استانداردهای زندگی خواهد شد.

اینکه ایران روی این امتیازات جمعیتی سرمایه‌گذاری کند یا خیر به رهبری سیاسی این کشور بستگی دارد که در حال حاضر رابطه خوبی با بازارها و تجارت‌های خصوصی ندارد و در نتیجه شرایط آرامی برای سرمایه‌گذاران نیست و از سوی دیگر در شرایط کنونی بیشتر تمرکز آنان به جایی گسترش تولید شغل بر روی درآمدهای نفتی متمرکز شده است.

دو احتمال قریب به یقین آماری دیگر روشن است: نخست، علی‌رغم میزان زاد و

1. "Global Trends 2025: A Transformed World", US National Intelligence Council", November 2008.

۲. شورای اطلاعات ملی آمریکا.



ولد پایین، جمعیت ۶۶ میلیون نفری ایران تا سال ۲۰۲۵ تا حدود ۷۷ میلیون نفر رشد خواهد یافت. دوم، تا آن زمان جمعیت جوان افزایش قابل توجهی خواهد داشت که ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ها تنها یک ششم گروه در حال کار را به خود اختصاص می‌دهند که این میزان قابل مقایسه با یک سوم جمعیت کنونی است.

بعضی از کارشناسان بر این باورند که این افزایش جمعیت نشان‌دهنده تجدید حیات سیاست‌های انقلابی است. برخی دیگر معتقدند که در ایران ۲۰۲۵ که کشوری تحصیل‌کرده و توسعه‌یافته‌تر از ایران کنونی است، جوانان حرفه و مصرف را جذاب‌تر از سیاست‌های تندروانه خواهند دانست.

فقط یک جنبه از آینده ایرانی حتمی است: جامعه این کشور از لحاظ جمعیتی بالغ‌تر از هر زمانی در گذشته خواهند بود و از این حیث ایران به شکل قابل توجهی نسبت به همسایگان خود متفاوت می‌شود.

با نگاهی به ایران که کشوری غنی از گاز طبیعی و دیگر منابع است و سرمایه انسانی زیادی دارد، اصلاح سیاسی و اقتصادی در کنار شرایط سرمایه‌گذاری باثبات می‌تواند به‌طور اساسی هم دیدگاه جهان نسبت به این کشور و هم نگاهی که ایرانیان به خود دارند را به‌طور اساسی از نو ترسیم کند. تحت این شرایط، تجدید حیات اقتصادی می‌تواند به سرعت در ایران اتفاق افتد و ایرانیان طبقه متوسط و وابسته به نظام بین‌الملل که آموزش‌دیده و گاهاً سکولار هستند را جسور کند. در صورتی که این بخش از جمعیت ایران قدرتمند شود، آنان می‌توانند افق‌های این کشور را توسعه دهند این مسئله به‌ویژه در سیاست نگاه به شرق و فارغ از درگیری‌های ایران در مناقشه‌های اعراب خاورمیانه خواهد بود. از سوی دیگر به‌واسطه قیمت‌های بالا، صادرکنندگان عمده از جمله ایران و روسیه منابع مالی را برای افزایش قدرت ملی



خود خواهند داشت. بنابراین میزان و چگونگی گام‌های ایران و روسیه برای افزایش قدرتشان بستگی به نحوه استفاده آنها از سودهای به‌دست آمده برای سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه انسانی، تثبیت اقتصادی و ساختارهای اقتصادی خواهد داشت. بنابر شاخص‌های قدرت ملی، به‌کارگیری عاقلانه درآمدهای نفتی روبه‌رشد ایران و روسیه در اقتصاد، نیازهای اجتماعی و سیاست خارجی این کشورها، احتمالاً جایگاه آنان را مضاعف خواهد کرد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۳۹۹

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۱)

Report Title: Kavosh (21)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۰/۷